



جایگاه زبان ارمنی در بین زبان‌های هند و اروپایی نسبت آن با زبان‌های ایرانی

تألیف و گردآوری

هایک ساریان

دانشجوی دکتری تاریخ و مدرس زبان و ادبیات ارمنی

آرموند کشیشیان

مدرس زبان و ادبیات ارمنی، دانشگاه اصفهان



انتشارات دانشگاه اصفهان



سرشناسه	: ساریان، هایک، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه زبان ارمنی در بین زبان‌های هند و اروپایی و نسبت آن با زبان‌های ایرانی / تألیف و گردآوری هایک ساریان، آرموند کشیشیان
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ه، ۹۰ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه اصفهان؛ ۷۷۶.
شابک	: 978-600-110-245-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۸۹-۹۰
موضوع	: زبان ارمنی
	Armenian language
	زبان ارمنی -- دستور زبان تطبیقی
	Armenian language -- Grammar, Comparative
	زبان ارمنی -- ریشه‌شناسی
	Armenian language -- Etymology
شناسه افزوده	: کشیشیان، آرموند، ۱۳۳۹ -
شناسه افزوده	: دانشگاه اصفهان
شناسه افزوده	: University of Isfahan
رده بندی کنگره	: PK ۸۰۲۱
رده بندی دیوئی	: ۴۹۱/۹۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۲۶۴۷

عنوان کتاب: جایگاه زبان ارمنی در بین زبان‌های هند و اروپایی و نسبت آن با زبان‌های ایرانی
تألیف و گردآوری: هایک ساریان، آرموند کشیشیان
ویراستار ادبی: زهره طاهری اندانی
ناشر: دانشگاه اصفهان
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰
ناظر فنی: رضا نیکبخت
چاپ و صحافی: دانشگاه اصفهان
قیمت: ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال



تمامی حقوق نشر برای ناشر محفوظ است

مراکز فروش کتاب

اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپخانه دانشگاه، تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۹۲ و ۰۳۱-۳۷۹۳۲۱۸۵
پست الکترونیکی: press@res.ui.ac.ir فروش الکترونیکی کتاب: <https://press.ui.ac.ir>
- میدان آزادی، خیابان دانشگاه، فروشگاه کتاب دانشگاه اصفهان تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۶۸
تهران: میدان انقلاب، خیابان شهید لبافی‌نژاد، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۳۸
مؤسسه کتابیران، مرکز پخش کتاب‌های دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۴۴۰۹ و ۰۲۱-۶۶۴۱۱۱۷۳

پیشگفتار

سرزمین ایران از سپیده دم تاریخ تا کنون مهد اقوامی متعدد بوده است که با یکدیگر روابطی توأم با فراز و فرود داشته‌اند. اقوام ایرانی و ارمنی از جمله اقوام هند و اروپایی هستند که زمان حضورشان در فلات ایران و نواحی قفقاز جنوبی به هزاره سوم قبل از میلاد بازمی‌گردد. این دو قوم از زمان ورود خود به منطقه تا به وجود آوردن تمدن همواره با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. اقوام هند و اروپایی به یازده شاخه اصلی تقسیم می‌شدند که اقوام آریایی و ارامنه هر کدام یکی از این شاخه‌های اصلی را تشکیل دادند. هنگامی که اقوام آریایی از طرف شمال وارد فلات ایران شدند به سه گروه اصلی، یعنی مادها، پارت‌ها و پارس‌ها تقسیم شدند. در همین دوران، ارامنه نیز که اسلاف آن‌ها اورارتویی‌ها بودند در ناحیه قفقاز جنوبی و آسیای صغیر سکنی گزیدند. از زمان شکل‌گیری تمدن مادها تا تشکیل امپراتوری قدرتمند هخامنشیان، کشور ارمنستان و ارامنه که در همسایگی ایران قرار داشتند، ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با ایرانیان برقرار کردند. ارتباط ایرانیان با ارامنه از آن دوران تا به امروز در همه زمینه‌ها از جمله سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ادامه داشته است و این دو ملت همواره از لحاظ فرهنگی و اجتماعی از همدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. ارتباط و دادوستد فرهنگی ایرانیان و ارامنه به ویژه در دوران حکومت اشکانیان در ایران بسیار چشمگیر بوده است. در زمان حکومت اشکانیان در ایران، شاخه‌ای از این سلسله نیز با نام آرشاگونیان در ارمنستان حکومت می‌راندند و به همین علت، تبدلات فرهنگی به اوج خود رسید و باعث شد واژگان و عناصر زبانی هر کدام از این اقوام به زبان یکدیگر وارد شود. البته، از لحاظ کمیتی، واردات عناصر زبانی از ایرانی به زبان ارمنی بسیار بیشتر بوده است؛ به طوری که حدوداً به ۱۴۰۰ وام واژه می‌رسید. وجود این تعداد وام واژه در زبان ارمنی باعث شده بود تا با گسترش علم زبان‌شناسی تطبیقی، دانشمندان این عرصه تا نیمه‌های دوم قرن نوزدهم زبان ارمنی را یکی از

زبان‌های مشتق از گروه زبان‌های ایرانی به حساب آورند؛ اما با پیشرفت علم زبان‌شناسی و پژوهش‌هایی گسترده که دانشمندان و زبان‌شناسان این رشته از جمله هاینریش هوبشمان^۱ در سال ۱۸۷۵ انجام دادند، دریافتند زبان ارمنی یکی از شاخه‌های اصلی و منفرد گروه زبان‌های هند و اروپایی است. آن‌ها اثبات کردند وجود واژه‌های مشترک در یک زبان دلیل بر زیرشاخه بودن آن زبان نیست و عواملی دیگر از جمله ویژگی‌های دستوری و آوایی در تعیین استقلال یک زبان دخیل هستند؛ بنابراین، از آن زمان به بعد، مطالعات و پژوهش‌های زبان‌شناسی در زمینه ارتباط بین زبان‌های ایرانی و ارمنی گسترش یافت تا زبان‌شناسان هرچه بیشتر به ویژگی‌های این دو زبان پی ببرند، به ویژه اینکه زبان ارمنی می‌تواند در قرائت درست متونی که به خط پهلوی نوشته شده‌اند، نقش ایفا کند و این امر نیز به خاطر تغییر خط و حروف ایرانی از خط و زبان پهلوی به فارسی جدید است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر نیز قصد دارد تا ارتباط زبان ارمنی با زبان‌های ایرانی را از لحاظ تاریخی مطالعه و بررسی کند؛ از این رو، در ابتدا شاخه‌های اصلی زبان‌های زنده دنیا و زبان‌هایی که به عنوان زبان مادر شناخته می‌شوند، بررسی می‌شوند و پس از آن، درباره زبان‌های هند و اروپایی و شاخه‌های زبانی که از آن مشتق شدند، مطالبی ارائه می‌شود. پس از مطالعه درباره زبان‌های هند و اروپایی، تاریخچه زبان‌های ایرانی ارمنی و دوران‌هایی که پشت سر نهاده‌اند، مطالعه می‌شود. در قسمت آخر پژوهش حاضر نیز، ارتباط بین زبان‌های ایرانی و ارمنی و عناصر مشترک و ویژگی‌های این عناصر از لحاظ دستوری و آوایی بررسی می‌شود و سپس، جدول‌هایی از واژگانی که از زبان‌های ایرانی به عاریت گرفته شده‌اند، ارائه می‌شوند. این پژوهش همچنین، از پژوهش‌ها و مطالعات زبان‌شناسانی برجسته همچون هراچیا آجاریان^۲ و گُورک جاهوکیان^۳ بهره‌ای فروان برده است. در رابطه با پیشینه پژوهش نیز، این مطلب را باید اضافه کرد که پژوهش‌هایی متعدد در این حوزه انجام شده‌اند که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است. خانم دکتر ماریا آیوازیان^۴ نیز، از لحاظ ریشه‌شناسی، تمامی وام‌واژه‌های زبان‌های ایرانی میانه در زبان ارمنی را به صورت کتاب منتشر کرده است. کتاب حاضر به طور ویژه، تاریخ زبان‌های ایرانی و ارمنی را از دوران پیوستگی در زبان‌های هند و اروپایی تا دوران حاضر به صورت توصیفی - تطبیقی و با شیوه کتابخانه‌ای بررسی می‌کند. از دیگر موضوع‌های مهمی که می‌توان در رابطه با این اثر به آن اشاره کرد، اهمیت و ضرورت این

^۱ Johan Heinrich Hübschmann

^۲ Հրաչյա Աճառյան

^۳ Գևորգ Ջախուկյան

^۴ Մարիա Այվազյան

کتاب است؛ کتاب حاضر اولین اثری است که با این عنوان به چاپ می‌رسد و می‌تواند به عنوان کتاب درسی در گروه زبان و ادبیات ارمنی، درس «ارتباط زبان ارمنی با زبان‌های ایرانی» را پوشش دهد و همچنین، برای علاقه‌مندان و پژوهشگرانی که در این حوزه پژوهش می‌کنند، به عنوان کتابی مفید در این عرصه استفاده شود.

در رابطه با کتاب حاضر، این مطلب نیز باید اضافه شود که در متن کتاب، نام شخصیت‌ها و اندیشمندان ارمنی به زبان ارمنی و نام دیگر شخصیت‌های غیرارمنی به صورت لاتین است. گفتنی است، واژگان تخصصی ارمنی برای ارائه مثال‌های تطبیقی و همچنین، واژگان قسمت جدول‌ها در قالب املای (نوشتار) قدیم ارمنی یا املای مسروپیان¹ است، و قسمت‌های دیگر متن با املای متداول ارمنستان کنونی است.

گفتنی است، با توجه به اهمیت ارتباط بین زبان‌های ایرانی و ارمنی، امید است که کتاب حاضر راه‌گشایی باشد در بازشناسی ارتباط این زبان‌ها و بتواند هرچه بیشتر بر ارتباطات فرهنگی و انسجام این دو ملت همسایه بیفزاید. در نهایت نیز، باید از تمامی عزیزان و همکاران گرامی در گروه زبان و ادبیات ارمنی که در انجام این پژوهش همکاری کردند، تقدیر و تشکر کنم. همچنین، جا دارد از خانم کوثر احمدی، دانشجوی رشته زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه اصفهان که قسمتی از ترجمه و کار این پژوهش را به عهده گرفتند، تشکر کنم.

هایک ساریان

اگر تصمیم می‌گرفتم این کتاب به گونه‌ای نوشته شود که روح کمال‌گرایی دانشجویان واقعی را کاملاً راضی کند، شاید هیچ‌وقت نوشتن آن به پایان نمی‌رسید.

آرموند کشیشیان

¹ Մեսրոպեան ուղղագրութիւն

جدول ۱- آوانگاری حروف الفبای زبان ارمنی^۱

Աս	Բբ	Գգ	Դդ	Եե	Զզ	Էէ	Ըը	Թթ	Ժժ
[a]	[b]	[g]	[d]	[e]	[z]	[ɛ]	[ə]	[tʰ]	[ʒ]
Իի	Լլ	Խխ	Ծծ	Կկ	Հհ	Ձձ [j(=dz)]	Ղղ	Ճճ	Մմ
[i]	[l]	[x]	[c(=ts)]	[k]	[h]		[t]	[ʃ]	[m]
Յյ	Նն	Շշ	Ոո	Չչ	Պպ	Ջճ [dʒ(=f)]	Ռռ	Սս	Վվ
[y]	[n]	[ʃ]	[o]	[tʰ]	[p]		[r]	[s]	[v]
Sս	Րր	Յյ	Իի իլ [w>v]	Փփ	Քք	Օօ	Ֆֆ		
[t]	[r]	[cʰ(=tʰs)]	նլ [u]	[pʰ]	[kʰ]	[ɔ>o]	[f]		

جدول ۲- آواهای مرکب زبان ارمنی

նլ ՈԻ	Ալ ալ>o>n
[u.]	[aw>ɔ>o]
Ոյ ոյ	իլ իլ>նլ
[oy,uy]	[iw>yu]
այ Այ	եա եա>յա
[ay]	[ea>ya]

جدول ۳- معادل حروف الفبای ارمنی در خط فارسی^۲

Աս	Բբ	Գգ	Դդ	Եե	Զզ	Էէ	Ըը	Թթ	Ժժ
آ	ب	گ	د	ی	ز	ا	ـ (ا، آ)	ت	ژ
Իի	Լլ	Խխ	Ծծ	Կկ	Հհ	Ձձ	Ղղ	Ճճ	Մմ
ای، یی	ل	خ	(ط+س)	ک	ه	(ز+د)	ق	(ت+ش)	م
Յյ	Նն	Շշ	Ոո	Չչ	Պպ	Ջճ	Ռռ	Սս	Վվ
ی	ن	ش	ؤ	چ	(پ+ب)	ج	ر	س	و
Sս	Րր	Յյ	Իի իլ	Փփ	Քք	Օօ	Ֆֆ		
(ت/د)	ر	(ت+س)	یو	پ	ک	ا	ف		

^۱ جدول (۱) برگرفته از کتاب ماریا آیبوزیان است (آیبوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۲۱)، با اندکی تغییر.^۲ جدول (۳) برگرفته از کتاب آزاد ماتیان است (ماتیان، ۱۳۹۲، ص. ۱).

انتشارات دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

فصل اول: زبان‌های هند و اروپایی جایگاه زبان ارمنی در بین این زبان‌ها	۱
تاریخ زبان	۱
تقسیم‌بندی زبان‌های جهان	۲
خانواده زبان‌های هند و اروپایی	۴
سرزمین آغازین هند و اروپاییان و تجزیه زبان مادری (اولیه)	۸
جایگاه زبان ارمنی در بین زبان‌های هند و اروپایی	۱۲
فصل دوم: تاریخچه زبان‌های ارمنی و ایرانی	۱۹
تاریخ زبان ارمنی	۱۹
تاریخ زبان‌های ایرانی	۲۳
زبان‌های میانه گروه شرقی	۲۵
زبان‌های میانه گروه غربی	۲۶
فصل سوم: نسبت زبان ارمنی با زبان‌های ایرانی	۳۱
نظریه زبان‌های نوستراتیک	۳۲
تاریخچه بررسی عناصر ایرانی در زبان ارمنی	۳۴
دوره اول (قرن پنجم تا دهه ۱۸۳۰)	۳۵
دوره دوم (۱۸۷۵-۱۸۳۰)	۳۶
دوره سوم (از سال ۱۸۷۵ با انتشار مقاله هوبشمان)	۴۰
وام‌گیری زبانی و اهمیت زبان ارمنی در مطالعه زبان‌های ایرانی	۴۴
تأثیر زبان ارمنی در مطالعه زبان‌های ایرانی میانه (خواندن متون پهلوی)	۴۵
ویژگی‌های دستوری زبان ارمنی در مقایسه با زبان‌های ایرانی	۴۷
فصل چهارم: وام‌گیری زبان ارمنی از زبان‌های ایرانی	۴۹
برخی از ویژگی‌ها و تفاوت‌های آوایی در زبان‌های ایرانی و ارمنی	۵۰
وام‌گیری از زبان‌های ایرانی باستان	۵۲
وام‌گیری از زبان‌های ایرانی میانه	۵۴
وام‌گیری از زبان‌های ایرانی نو	۵۷
دسته بندی وام‌واژه‌های ایرانی قدیم از نظر هویت دستوری	۵۸
ویژگی‌های واژه‌های قرضی از لحاظ ترکیبی (پیشوند و پسوند)	۵۹
اشتراکات وندها در ارمنی و زبان‌های ایرانی	۶۰
انواع ریشه‌های ایرانی وام‌گرفته شده	۶۰

- ۶۱.....پیشوندها و پسوندهای مشترک در زبان ارمنی و زبان‌های ایرانی
- ۷۰.....تقسیم‌بندی اسم‌ها از لحاظ معنایی
- ۸۳.....وام‌واژگان زبان‌های ایرانی میانه غربی (پارتی و فارسی میانه) در زبان ارمنی

انتشارات دانشگاه اصفهان

فهرست جداول

- جدول ۱- آوانگاری حروف الفبای زبان ارمنی د
- جدول ۲- آواهای مرکب زبان ارمنی د
- جدول ۳- معادل حروف الفبای ارمنی در خط فارسی د
- جدول ۴- آوانگاری حروف الفبای زبان فارسی ۵
- جدول ۵- اشتراکات ریشه‌ای کلی و جزئی واژگان (واژگان هم‌چم‌پایه) زبان‌های ارمنی، یونانی و ۱۲۰۰
- جدول ۶- ویژگی‌های دستوری مشترک بین زبان ارمنی و زبان‌های هندی، ایرانی، حتی، یونانی ۱۴۰۰
- جدول ۷- ویژگی‌های مشترک آوایی بین زبان ارمنی و زبان‌های هندی، ایرانی، حتی، یونانی ۱۴۰۰۰۰
- جدول ۸- آمار کلی اشتراکات (دستوری - آوایی) بین زبان ارمنی و برخی از زبان‌های هند و ۱۵۰۰۰۰
- جدول ۹- اشتراکات ریشه‌ای واژگان بین زبان ارمنی و برخی از زبان‌های هند و اروپایی ۱۵۰۰۰۰۰۰
- جدول ۱۰- اشتراکات ریشه‌ای واژگان بین زبان ارمنی و دیگر زبان‌های هند و اروپایی ۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰
- جدول ۱۱- ریشه‌شناسی تطبیقی واژگان اصیل ارمنی هند و اروپایی با دیگر گروه‌های زبانی ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰
- جدول ۱۲- وام‌واژگان قرصی از زبان‌های مختلف در زبان ارمنی ۳۲
- جدول ۱۳- نمونه‌هایی از واژگان تحت بررسی توسط یاتکانیان فارسی ۳۹
- جدول ۱۴- وام‌واژگان زبان‌های ایرانی باستان در زبان ارمنی ۵۲
- جدول ۱۵- وام‌واژگان دوره‌های مختلف زبان‌های ایرانی در زبان ارمنی ۵۳
- جدول ۱۶- تفکیک جفت‌کلمه‌های پارتی و فارسی میانه ۵۴
- جدول ۱۷- واژگان مربوط به اجزای بدن انسان و حیوان ۷۱
- جدول ۱۸- واژگان مربوط به حیوانات ۷۲
- جدول ۱۹- واژگان مربوط به گیاهان ۷۲
- جدول ۲۰- واژگان دینی و اعتقادی ۷۴
- جدول ۲۱- ماه‌های سال باستانی ارمنی ۷۵
- جدول ۲۲- واژگان مربوط زمان ۷۵
- جدول ۲۳- واژگان مربوط به علم و هنر ۷۵
- جدول ۲۴- واژگان مربوط به رنگ‌ها ۷۶
- جدول ۲۵- واژگان مربوط به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها ۷۶
- جدول ۲۶- واژگان مربوط به منسوجات، لباس و زیورآلات ۷۷
- جدول ۲۷- واژگان مربوط به کشاورزی ۷۷
- جدول ۲۸- واژگان مربوط به وسایل، ابزار، تزئینات و زیورآلات ۷۸
- جدول ۲۹- واژگان مربوط به خانواده و خاندان ۷۹

- جدول ۳۰- واژگان مربوط به بازرگانی و تجارت..... ۷۹
- جدول ۳۱- واژگان مربوط به ساختمان و اقامتگاه ثابت و متحرک..... ۸۰
- جدول ۳۲- واژگان مربوط به عنوان‌ها، مقام‌ها و شغل‌ها..... ۸۱
- جدول ۳۳- امور نظامی..... ۸۱
- جدول ۳۴- اسم مکان و تقسیمات کشوری..... ۸۲
- جدول ۳۵- نظام مالیاتی..... ۸۲
- جدول ۳۷- امور قضایی و دیوانی..... ۸۲
- جدول ۳۸- واژگان مربوط به کمیت و مقدار..... ۸۳
- جدول ۳۹- واژگان مربوط به ادراک حسی، عاطفی، خلقی و زیباشناختی..... ۸۳
- جدول ۴۰- وام‌واژگان زبان‌های ایرانی میانه غربی (پارتی و فارسی میانه) در زبان ارمنی..... ۸۴

انتشارات دانشگاه اصفهان

فصل اول

زبان‌های هند و اروپایی و جایگاه زبان ارمنی در بین این زبان‌ها

تاریخ زبان

در میان بخش‌های متعدد علوم انسانی، دانش «تاریخ زبان» علمی جدید است که پا به عرصه نهاده است. این دانش به دو شاخه اصلی، یعنی «زبان‌شناسی توصیفی»^۱ و «زبان‌شناسی تاریخی»^۲ تقسیم می‌شود. زبان‌شناسی توصیفی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که ویژگی‌های ساختاری زبان‌های مختلف را در قالب نظریه‌های زبان‌شناختی بررسی و توصیف می‌کند. در زبان‌شناسی تاریخی نیز، درباره تغییر ماهیت زبان و علل تغییر آن مطالعه می‌شود. پژوهش در این زمینه هم با توصیف تغییر زبان سروکار دارد و هم با عواملی که این تغییر را ایجاد و آن را محدود می‌کنند (اگریدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۸). همچنین، پژوهش و تتبع درباره پیشینه زبان‌ها، صورت‌های مختلف هر زبان در زمان‌های مختلف و شناخت این تغییر و تحولات با یافتن قواعد و قوانین حاکم بر آن در محدوده کار زبان‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد.

با گسترش علم زبان‌شناسی، دانشمندان این حوزه متوجه شدند زبان صورتی واحد و ثابت ندارد؛ زیرا زبان امری اجتماعی است و برای برطرف کردن نیازهای بشری و برقرار کردن ارتباط میان اعضای جامعه و همچنین، برای تفهیم و تفاهم استفاده می‌شود و همان‌گونه که موجودات زنده در حال تغییر و دگرگونی هستند، به تبع و در اثر این تغییر و دگرگونی،

^۱ Discriptive Linguistics

^۲ Historical Linguistics

بنیادهای آن از جمله سیاست، مذهب، آداب و رسوم، حرف و مشاغل و نظایر این‌ها نیز تغییر می‌کنند؛ از این رو، هر گونه تغییری که در جامعه رخ می‌دهد، نیازهای جامعه را هم دگرگون می‌کند و این دگرگونی به‌ناچار در تغییر و تحول زبان نیز تأثیر و دخالتی به‌سزا دارد (باقری، ۱۳۸۲، ص. ۱۷). تغییر و تحول در زبان گاهی در فاصله زمانی بسیار کوتاهی حاصل می‌شود و چنین نیست که مدت زمان زیادی صرف شود تا تحول در آن رخ دهد. برای مثال، طبقات مختلف سنی که در هر زمان زندگی می‌کنند به یک طریق سخن نمی‌گویند و از نسلی به نسل دیگر، شیوه گفتاری و صورت الفاظ تغییر پیدا می‌کند و حتی باعث دگرگونی در ترتیب کلمات در جمله‌ها و عبارت‌ها می‌شود.

تقسیم‌بندی زبان‌های جهان

بنا بر محاسباتی که زبان‌شناسان در سال ۱۹۶۴ انجام دادند، شمار زبان‌هایی که سکنه کره زمین به کار می‌بردند، بین چهار تا هفت هزار بود؛ اما، با گذشت زمان، تعداد زبان‌های زنده، یعنی زبان‌هایی که با آن‌ها تکلم می‌شود، کاهش می‌یابد. امروزه، نزدیک به ۴۰۰ زبان، «زبان رو به مرگ یا زبان خاموش» محسوب می‌شوند. دوسوم ساکنان زمین نیز با چهل گونه از زبان‌ها تکلم می‌کنند. این زبان‌ها پرکاربردترین زبان‌های دنیا هستند و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: چینی، هندی، اسپانیایی، انگلیسی، عربی، روسی و پرتغالی.

بحث مهمی که مطرح می‌شود این است که چگونه یک زبان به زبان رو به مرگ یا خاموش تبدیل می‌شود. در پاسخ این پرسش، دو عامل مطرح می‌شوند: نخست اینکه اقوام و قبایل کوچک در اقوام و قبایل بزرگ‌تر جذب می‌شوند و به‌مرور از تعداد گویشوران آن‌ها کم می‌شود و دوم اینکه با کم شدن تعداد گویشوران یک زبان، زبان نوشتاری و ادبی نیز به‌طور کامل از بین می‌رود و در نتیجه، زبان‌های یادشده آموزش خط و زبان مادری را از دست می‌دهند و این زبان‌ها در اصطلاح به زبان خاموش یا رو به مرگ تبدیل می‌شوند. از جمله این اقوام که زبان‌های آن‌ها در خطر نابودی و مرگ قرار دارند، می‌توان به اقوام بومی استرالیا، آمریکا، آفریقا و هندوچین اشاره کرد. تا قرن یازدهم میلادی، نیمی از زبان‌های دنیا مرده به حساب می‌آمدند. امروزه نیز، طبق آمار و داده‌هایی که سازمان جهانی یونسکو منتشر کرده است، ۵۰ گونه از زبان‌های اروپایی زبان مرده محسوب می‌شوند. زبان لاتین در اروپا نیز به نوعی زبان خاموش محسوب می‌شود؛ زیرا فقط کلیساهای کاتولیک و واتیکان این زبان را به کار می‌برند.

برای تقسیم‌بندی زبان‌ها می‌توان از ملاک‌هایی گوناگون استفاده کرد. یکی از ملاک‌ها روابط خویشاوندی بین زبان‌ها است. در اروپا از قرن شانزدهم به بعد، بنا بر علل و عوامل گوناگون، علم لغت و اشتقاق بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ به همین دلیل، تألیف و تنظیم فرهنگ‌های ریشه‌شناسی و تدوین کتاب‌های دستور تطبیقی و مطالعات تاریخی زبان‌ها برای دست یافتن به موارد تشابه و اختلاف زبان‌ها و ارتباط آن‌ها با یکدیگر رایج شد. این نوع بررسی‌های تاریخی و تطبیقی موجب شد تا دانشمندان به پاره‌ای از مشابهِت‌ها و همسانی‌های موجود در میان برخی از زبان‌ها پی ببرند؛ از این رو، از قرن هجدهم به بعد، زبان‌شناسان با توجه به تشابهات واژگانی و دستوری، شیوه‌ای را برای طبقه‌بندی زبان‌ها در پیش گرفتند که اصطلاحاً «رده‌بندی»^۱ از حیث خویشاوندی» خوانده می‌شود. با این شیوه، بیشتر زبان‌های جهان در «خانواده‌های زبان»^۲ رده‌بندی شدند. این دانش زبان‌های خویشاوند را مقایسه می‌کند تا نیا‌های بلافصل و در نهایت، نیای اصلی یا زبان آغازین آن‌ها را بازسازی کند (امینی، ۱۳۹۳، ش. ۳ و ۴).

بررسی‌های زبان‌شناختی مشخص کرد در نهایت، زبان‌های هر خانواده از یک نیای مشترک یا زبان اولیه منشعب شده‌اند. زبان‌های هند و اروپایی^۲، سامی^۳، آلتایی^۴، قفقازی^۵، چینی-تبتی^۶، اورالی^۷، بنگایی^۸، گینه‌ای^۹ و شماری دیگر از زبان‌ها از جمله معروف‌ترین خانواده‌های زبانی اولیه هستند.

^۱ Language family

^۲ هندواروپایی شامل ۱۱ شاخه اصلی است که حدود صد زبان از این شاخه‌ها منشعب می‌شوند. زبان هندواروپایی از لحاظ تعداد زبان، خانواده‌ای بزرگ نیست؛ اما از لحاظ تعداد گویشوران، بزرگ‌ترین خانواده زبانی دنیا را تشکیل می‌دهد.

^۳ سامی یکی از خانواده‌های زبانی است که در ناحیه غرب آسیا و بین‌النهرین شکل گرفت. زبان‌های عبری، عربی، آرامی، آگدی، آشوری و زبان برخی از اقوام بین‌النهرین از این خانواده منشعب شده‌اند.

^۴ آلتایی شامل زبان‌های ترکی، تاتاری، ترکمانی، قرقیزی، مغولی، قبایل قلموق و پوریات و تنگوسی مردم منچوری است. ^۵ زبان‌های قفقازی شامل دو خانواده زبانی و سه زیرشاخه جداگانه هستند. زبان‌های کارتولی، گرجی، چرکیسی، لژگی، اینگوشی، آبخازی، آواری، چچنی، آدیغی و شماری دیگر از زبان‌ها از جمله زبان‌های قفقازی به شمار می‌روند. این زبان‌ها عموماً از الفبای گرجی، سیریلیک و لاتین برای نگارش استفاده می‌کنند. این اقوام در رشته‌کوه‌های قفقاز میان دریای سیاه و دریای کاسپین (خزر) ساکن هستند.

^۶ حدوداً سیصد زبان از این گروه منشعب می‌شوند. این زبان به دو شاخه اصلی تبتی-برمه‌ای و چینی تقسیم می‌شود. ^۷ این خانواده دارای حدوداً ۲۰۰ زبان و ۲۲ میلیون گویشور است. ساکنان مناطق شمالی اروپا از نروژ تا سیربی به زبان‌های اورالی صحبت می‌کنند. این گروه نیز به دو شاخه تقسیم می‌شود: شاخه سامویدی و شاخه فنلاندی-اوگری.

^۸ بیشتر زبان‌های صحرای آفریقا که حدود ۹۰۰ زبان راتشکیل می‌دهند از خانواده زبان‌های نیجر و کوردوفانی هستند. زبان‌های نیجر-کنگویی شاخه غربی این زبان هستند و تمام زبان‌های غرب آفریقا را شامل می‌شوند.

^۹ گینه‌ای یکی از خانواده‌های زبانی بزرگ جهان است که خود به چند صد شاخه تقسیم می‌شود. شاخه اصلی این زبان در مناطق گینه نو و جزایر اطراف رایج است.

خانوادهٔ زبانی به دسته‌ای از زبان‌های مشتق‌شده از نیایی مشترک گفته می‌شود که در شماری جالب توجه از ویژگی‌های واج‌شناختی، ریخت‌شناختی و دستوری مشترک هستند. البته در این میان، زبان‌هایی نیز وجود دارند که عضو هیچ خانواده‌ای نیستند و به عنوان زبان‌های «تک‌عضوی» شناخته می‌شوند و تنها عضو خانوادهٔ خودشان معرفی می‌شوند. به این‌گونه زبان‌ها، زبان مجزا یا زبان منزوی^۱ نیز گفته می‌شود. این زبان‌ها بدون خویشاوند هستند و نیایی مشخص را نمی‌توان برای آن‌ها تعیین کرد. زبان کره‌ای با ۷۸ میلیون گویشور از معروف‌ترین زبان‌های مجزای دنیا است. البته، نظریه‌هایی مبتنی بر ارتباط این زبان با زبان‌های آلتایی و ژاپنی پیشنهاد می‌شوند. از دیگر زبان‌های مجزا می‌توان به زبان‌های حتی (حتی) یا هیتی^۲، ایلامی (عیلامی)^۳، سومری^۴، نیهالی^۵، کوسوندا^۶ و برخی دیگر از زبان‌ها اشاره کرد که یا منقرض شده‌اند یا در خطر انقراض قرار دارند. زبان‌هایی دیگر نیز وجود دارند که می‌توان آن‌ها را نسبتاً مجزا یا زبان منفرد نامید. زبان‌های آلبانیایی، ارمنی و یونانی از این نوع زبان‌ها هستند که به آن‌ها زبان‌های «هند و اروپایی تکی» هم می‌گویند. این زبان‌ها جزئی از زبان‌های هند و اروپایی به شمار می‌روند؛ اما پیوندی با هیچ شاخه‌ای از این خانواده (مانند هندوایرانی، ژرمنی، اسلاوی و رومیایی) ندارند و خود شاخه‌ای مستقل را تشکیل می‌دهند.

خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی

خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی یک خانوادهٔ زبانی متشکله از چند صد زبان و گویش هم‌ریشه است و تقریباً شامل همهٔ زبان‌های قارهٔ اروپا، فلات ایران و بخش شمالی شبه‌قارهٔ هند می‌شود. البته، مهاجرت اروپاییان و همچنین، تهاجمات برخی از کشورهای اروپایی به سرزمین‌های خارج از اروپا در پانصد سال گذشته دامنهٔ زبان‌های هند و اروپایی را در سرتاسر

^۱ Language Isolate

^۲ هیتی‌ها یکی از اقوام هندواروپایی در آسیای صغیر بودند که در حدود سال‌های ۱۲۰۰ پیش از میلاد در اثر هجوم اقوام دیگر منقرض شدند.

^۳ عیلامی‌ها یکی از اقوام مهم در تاریخ باستان بودند که بر مناطقی وسیع از ایران تسلط داشتند. زبان عیلامی با هیچ یک از زبان‌های باستانی یا جدید خویشاوندی نداشت.

^۴ زمان حضور اقوام سومری به قبل از حضور اقوام آریایی در منطقه برمی‌گردد. سومری‌ها در مناطق غرب ایران و بین‌النهرین ساکن بودند. خط میخی از اختراعات سومریان بوده است. این زبان نیز یک زبان منفرد است.

^۵ نیهالی یکی از زبان‌های منفرد در مرکز و غرب هند است. در سال ۱۹۹۱ جمیعت این قوم حدود ۵۰۰۰ تن بوده است.

^۶ کوسوندا یکی از زبان‌های منفرد است و این اقوام در نواحی بنگال زندگی می‌کردند.

آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی و همچنین، استرالیا و زلاندنو گسترش داده است. در گذشته، زبان مردم آذربایجان، آسیای صغیر، آسیای مرکزی و غرب چین نیز هند و اروپایی بوده است؛ ولی هجوم قبایل ترک‌زبان (از حدود قرن پنجم میلادی به بعد) موجب از بین رفتن این زبان‌های محلی شده است. خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی، به عنوان ابرخانوادهٔ زبانی، از هر گروه زبانی دیگر بزرگ‌تر است و تقریباً نیمی از جمعیت جهان، از مجموع یازده شاخهٔ اصلی زبان‌های هند و اروپایی، با یکی از زیرشاخه‌های این زبان‌ها، یعنی انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی و اسپانیولی تکلم می‌کنند.

زبان‌های هند و اروپایی به شاخه‌هایی گوناگون تقسیم می‌شوند. برخی از این شاخه‌ها مانند آلبانیایی^۱، ارمنی^۲ و یونانی^۳، همان‌طور که گفته شد، منفرد هستند و برخی از زبان‌ها هم به شاخه‌های مختلف دیگری تقسیم می‌شوند. زبان‌های هندوایرانی یا آریایی^۴، ژرمنی^۵، سلتی^۶، ایتالیایی^۷، اسلاوی^۸، تراکیایی^۹، توخاری^{۱۰}، بالتیکی^{۱۱}،

^۱ آلبانیایی یکی از شاخه‌های زبان‌های هندواروپایی است که امروزه در کشور آلبانی به آن تکلم می‌کنند.
^۲ ارمنی‌ها از اقوام هندواروپایی هستند که از قرن ششم پیش از میلاد در مناطق جنوبی قفقاز و شمال بین‌النهرین ساکن شدند. امروزه زبان ارمنی در ارمنستان متداول است و «منهٔ ساکن ایران، سوریه، لبنان، قسمت‌هایی از اروپا و آمریکا نیز با آن زبان صحبت می‌کنند.

^۳ اصطلاح یونانی به آن دسته از اقوام هندواروپایی گفته می‌شود که در شبه‌جزیرهٔ بالکان و جزیره‌های دریای اژه و کناره‌های غربی آسیای صغیر مسکن گزیدند. قدیمی‌ترین آثار به‌جامانده از زبان وانی لوح‌نوشته‌هایی هستند که از هزارهٔ دوم قبل از میلاد در جزیرهٔ کرت واقع در جنوب یونان به دست آمده‌اند.

^۴ هندوایرانی یکی از زبان‌های اصلی هندواروپایی است که به دو شاخهٔ اصلی یعنی ایرانی و ایرانی تقسیم می‌شود. هندی: قدیمی‌ترین اسناد به زبان هندی باستان متن‌های «ودا» هستند که بر زبان سانسکریت نوشته شده‌اند. واژهٔ سانسکریت به معنای «زبان فصیح» است و در مقابل آن، واژهٔ پراکریت قرار دارد که به معنای «زبان عامیانه» است. ایرانی: دیگر شاخهٔ اصلی زبان هندواروپایی، زبان ایرانی است که به دو شاخهٔ غربی و شرقی تقسیم می‌شود. زبان‌های فارسی، تاجیکی، کردی، تالشی، گیلکی و بلوچی از شاخهٔ غربی این زبان هستند. زبان ایرانی سه دورهٔ باستان، میانه و جدید را پشت سر نهاده است.

^۵ ژرمنی به زبان‌های آلمانی و زبان‌های خویشاوند آن همچون انگلیسی اطلاق می‌شود.
^۶ سلتی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود که اکنون وجود ندارند. زبان گلی که زمانی در فرانسه به آن صحبت می‌شد یکی از زیرشاخه‌های گروه دوم است.

^۷ ایتالیایی (لاتین) شامل زبان‌هایی مختلف است که در مناطق ایتالیای کنونی متداول هستند.
^۸ اسلاوی به سه شاخهٔ شرقی، جنوبی و غربی تقسیم می‌شود. زبان‌های روسی، اوکراینی، بلغاری، صربی-کرواتی، مقدونی، اسلونی و زبان‌های رایج در غرب اروپا از این گروه هستند.

^۹ زبان تراکیایی با زبان ترکی کاملاً متفاوت است. اهالی تراکیه از اقوام «پلاسیج» بودند که در غرب آناتولی ساکن بودند. کشور تراکیه یا تراس در ناحیهٔ بالکان، بین بلغارستان، ترکیه و یونان قرار داشت.

^{۱۰} زبان تخاری در مناطق ترکستان و چین رایج بوده است. این زبان را نباید با زبان طخاری که در ولایت طخارستان (از ولایات شمال شرقی ایران) صحبت می‌شد، اشتباه گرفت. نوشته‌های توخاری به خط برهمایی هستند.

^{۱۱} بالتیکی به سه شعبهٔ پروسی باستان، لیتوانی و لتی تقسیم می‌شود. زبان پروسی تا قرن هفدهم هنوز در ایالت پروس رایج بود. زبان لتی و لیتوانی در حال حاضر نیز کاربرد دارد.

فریگیایی^۱، ایلیریایی^۲ و حتّی-لوویایی^۳ از جمله این زبان‌ها هستند. البته، با توجه به پیشرفت علم زبان‌شناسی، باز نمی‌توان به طور دقیق تعداد شاخه‌های این زبان‌ها را مشخص کرد؛ زیرا دانشمندان این رشته برخی از شاخه‌ها مانند بالتیکی و اسلاوی را در یک گروه ترکیب می‌کنند. زبان‌های یادشده همگی از یک نیای مشترک منشعب شده‌اند و انشعاب آن‌ها از زبان اولیه هند و اروپایی حدوداً از شش تا پنج هزار سال پیش آغاز شده است (Zuhnljwaf, 1987, tt. 31-35). آنتوان میه^۴، زبان‌شناس فرانسوی، زبان‌های هند و اروپایی را به سه گروه تقسیم می‌کند: گروه اول شاخه غربی، زبان‌های ایتالیایی و سِلتی، گروه دوم شاخه شرقی، زبان‌های حتّی، توخاری و ارمنی و گروه سوم شاخه مرکزی، زبان‌های هندوایرانی، بالتیکی، اسلاوی، یونانی و ژرمنی (Meillet, 1916, p. 32)؛ اما با پیشرفت علم زبان‌شناسی، دانشمندان این رشته از جمله ولادمیر گئورگیف^۵، داده‌هایی قابل اعتمادتر را برای گروه‌بندی زبان‌های هند و اروپایی ارائه دادند. آن‌ها زبان‌های هند و اروپایی را به چهار گروه اصلی تقسیم کردند؛ اما این تقسیم‌بندی نمی‌تواند همچنان به عنوان یک معیار دقیق باشد؛ زیرا داده‌ها و اطلاعات مربوط به گروه‌ها و شاخه‌های زبانی همواره در حال تغییر هستند. به هر حال، در اواخر قرن بیستم، زبان‌های هند و اروپایی به چهار گروه اصلی تقسیم‌بندی شدند:

- ۱- گروه شمالی: الف) بالتیک، اسلاوی و ژرمنی و ب) تخاری.
- ۲- گروه جنوبی: حتّی-لوویایی یا آناتولیایی (حتّی همراه با لیدیایی، لوویایی همراه با لیکایی، حتّی هیروگلیفی و اتروسکیایی).
- ۳- گروه غربی: الف) سِلتی، ایتالیایی و ونتیکی و ب) ایلیریایی.
- ۴- گروه مرکزی: الف) یونانی (مقدونی)، آلبانیایی، هندوایرانی و ارمنی-فریگیایی و ب) تراکیای، پلاسگیایی-ترمیلیان و کاریاکای.

^۱ فریگیه یا فریژیّه نام باستانی اقوامی است که در قسمت غربی آناتولی مرکزی زندگی می‌کردند. هرودوت می‌نویسد: «فریگی‌ها با نام بریگ‌ها نخست در بالکان می‌زیستند و سپس به آناتولی مهاجرت کردند».

^۲ ایلیریایی‌ها اقوامی هندواروپایی بودند که در غرب شبه‌جزیره بالکان در اروپای شرقی زندگی می‌کردند. آلبانیایی‌های امروز از نوادگان این اقوام هستند و زبان آن‌ها نیز ریشه ایلیریایی دارد.

^۳ حتّی-لوویایی‌ها از نخستین گروه‌های هندواروپایی بودند که در قسمت شمال مرکزی ترکیه کنونی ساکن شدند. این زبان اشتراکاتی فراوان با زبان مادر یا هندواروپایی داشت. زبان لوویایی از خویشاوندان نزدیک زبان حتّی است. منطقه‌ای که با این زبان تکلم می‌کردند همچنین لیدی یا لودیا خوانده می‌شدند. این اقوام تا هزاره دوم قبل از میلاد (حدوداً ۱۲۰۰ ق م) بیشتر دوام نیاوردند.

^۴ Antoine Mellet

^۵ Vladimir Ivanov Georgiev

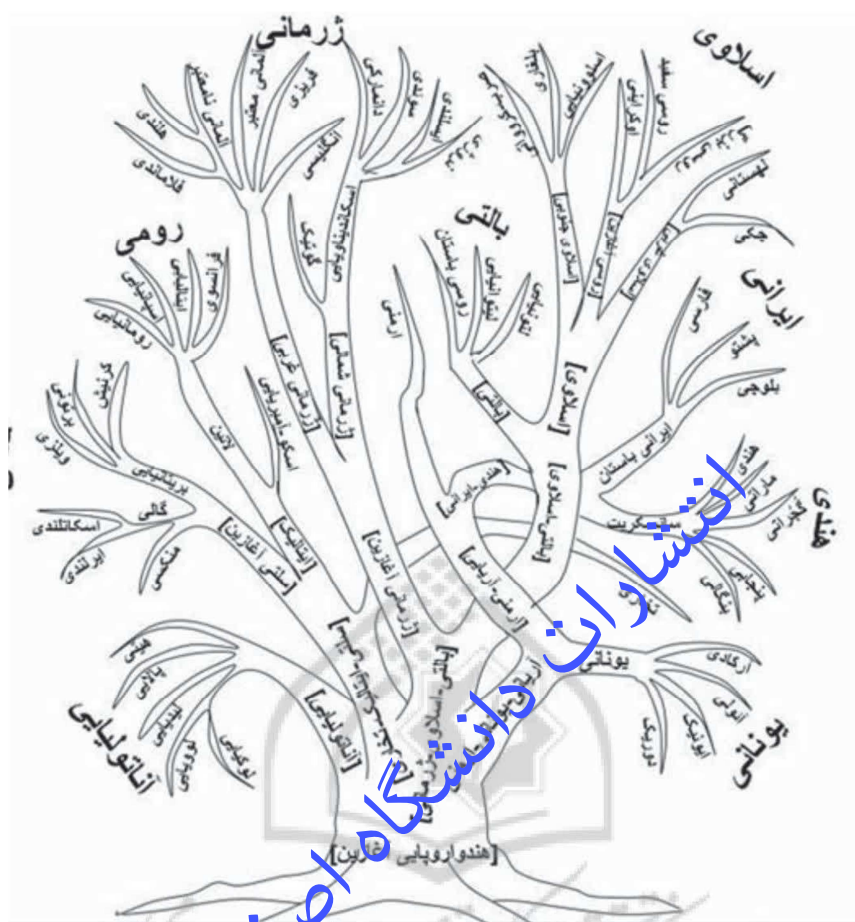
زبان‌شناسان این تقسیم‌بندی‌ها را برحسب اشتراکات واژگانی و آوایی، ویژگی‌های دستوری و تشابهات معنایی انجام می‌دهند (Zuhnljyan, 1987, է. 62). برحسب این تقسیم‌بندی‌ها، زبان ارمنی با زبان‌های ایرانی و با زبان فریگیایی یک شاخه را تشکیل می‌دهند. اقوام فریگیایی تا قرن هفتم قبل از میلاد در شبه‌جزیره بالکان در مجاورت با اقوام تراکیایی زندگی می‌کردند و در همان ایام مهاجرتی گسترده را به سمت نواحی غربی آسیای صغیر آغاز کردند و دولت مقتدر فریگیه را تشکیل دادند. هرودت^۱، مورخ بزرگ یونانی، دربارهٔ اقوام فریگیایی اشاره می‌کند: «این اقوام در زمان حضور در اروپا در کشور مقدونیه با نام بریگی شناخته می‌شدند؛ اما پس از سکنی‌گزیدن در آسیا، فریگی نامیده شدند». در ابتدا، به دلیل تعدد اشتراکات عناصر بین زبان‌های ارمنی و فریگی، نظر غالب این بود که این زبان‌ها یک منطقهٔ گیشی را تشکیل می‌دهند و یک شاخه از زبان‌های هند و اروپایی محسوب می‌شوند؛ اما زبان‌شناسانی همچون میه، پدرسین^۲، هراچیا آجاریان و داشیان^۳ معتقد هستند با توجه به اشتراکات عناصر زبانی و دستوری بین زبان‌های ارمنی و فریگیایی، این موضوع حائز اهمیت است که پس از تجزیهٔ زبان اولیهٔ هندواروپایی، به دلیل مجاورت این دو زبان در یک منطقهٔ گویشی، آن‌ها با همدیگر ارتباطاتی برقرار کرده و از هم تأثیراتی پذیرفته‌اند؛ اما در نهایت، هر کدام به طور جداگانه ظهور و تحول یافتند و به شاخه‌ای مجزا در میان زبان‌های هند و اروپایی تبدیل شدند. البته، زبان فریگیایی در حال حاضر یک زبان خاموش یا مرده محسوب می‌شود (Zuhnljyan, 1970, է. 100-120).

بدیهی است، از زبان هند و اروپایی اولیه یا «زبان مادر» که زبان‌های هم‌ریشه از آن منشعب شدند، هیچ‌گونه سند و مدرکی یا نوشته‌ای در دست نیست تا بتوان به طور دقیق آن را بررسی و مطالعه کرد و زبان‌شناسان برای پی بردن به ساختمان صرف و نحو و به طور کلی ساختار این زبان، ناگزیر به زبان‌های منشعب از آن مراجعه می‌کنند و از طریق این واسطه‌ها، قواعد و ویژگی‌های زبان مادر را استخراج می‌کنند (باقری، ۱۳۸۲، ص. ۳۲).

^۱ Herodotus

^۲ Holger Pedersen

^۳ Տ. Տաշյան



شکل ۱- نمودار درختی زبان‌های هند و اروپایی (امینی، ۱۳۹۳، ش. ۳ و ۴)

سرزمین آغازین هند و اروپاییان و تجزیهٔ زبان مادری (اولی)

زبان‌شناسان در طول ۲۰۰ سال گذشته با اعتماد و بینشی فزاینده، برای بازسازی واژگان نحو زبان‌های هند و اروپایی آغازین تلاش کرده‌اند. آن‌ها سعی کرده‌اند تا از راز چگونگی تبدیل زبان اولیه به زبان‌های دختر^۱ که در سراسر اوراسیا گسترش یافتند، پرده بردارند و با بررسی نقطه آغاز آن زبان، به موطن اصلی هند و اروپایی‌ها پی ببرند. پژوهشگران پیشین موطن آن‌ها را در اروپا قرار دادند و مسیرهای مهاجرتی را به حرکت درآوردند که در امتداد

¹ Daughter languages

به زبان‌هایی اطلاق می‌شود که از یک زبان مشترک منشعب شده‌اند. برای نمونه، فارسی، پشتو، بلوچی، کردی و چند زبان دیگر، زبان‌های دخترِ ایرانی باستان هستند و زبان‌های فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و رومانیایی نیز زبان‌های دخترِ لاتین هستند.